



Afghan Lawyers Association
in Europe



Vereniging Afghaanse Juristen in Europa

پاکستان ناقض مشور ملل متحد، مرکز و حامی تروریزم و رکن شرارت بین المللی

تذکر:

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا در ماه جون سال جاری سند (اعلامیه) را در ارتباط قتل ملا منصور و نقش دولت پاکستان بحیث ناقض منشور ملل متحد، حامی تروریزم و رکن شرارت بین المللی منتشر نمود و طی آن به هموطنان عزیز در داخل و خارج کشور، نهاد های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جامعه مدنی و مدافعان وطن و مردم مراجعه نمود تا بحیث یک داعیه ملی در دفاع از هست و بود وطن، صدایی اعتراض شائرا در برابر تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان متحدانه بلند و از این داعیه برحق ملی افغانستان بدون در نظر داشت اختلافات قومی، مذهبی، ایدئولوژیک و سلیقه ها، دفاع و به جهانیان ثابت نمایند که وطن و سرزمین افغانان عمق ستراتیژیک پاکستان نه، بلکه همسایه متساوی الحقوق و نیک، می خواهد میباشد.

از آنجائیکه در روز های اخیر نقش پاکستان بحیث حامی تروریزم یک موضوع داغ و یک معضله بین المللی مورد بحث و توجه در منطقه، جهان و اخصاً سازمان ملل متحد میباشد، رهبری و هیأت تحریر انجمن نشر دوباره این سند را همزمان بر زبانهای دری و انگلیسی خالی از مفاد نمیداند و مطالعه و توجه خواننده را به ابعاد مختلفه این سند آرزو مینماید.

پاکستان بحیث یک کشور غیر «طبیعی» و مخلوق استراتیژی های استعماری در تمام دوران موجودیت خود عامل آشوب و منازعه بوده و رمز بقای خود را در خفقان داخلی و دشمنی با همسایه گان جستجو و بخصوص بعد از کودتای نظامی جنرال ضیاالحق (1977 م.) که بحیث حلقه اساسی در «کمر بند سبز» و «نقاب جمهوری اسلامی» به تربیه، تجهیز و تسلیح گروه های دهشت افکن مبادرت و به صورت سیستماتیک از تروریسم بحیث ابزار سیاست خارجی خویش استفاده مینماید.

افغانستان از بدو خلق تا میمون پاکستان در راستای نقش خصمانه و تاریخی این کشور در معرض دسایس اسلام آباد (که عضویت پیمانهای تجاوزکار نظامی را حاصل کرده بود) قرار داشته و با اعلام جمهوریت (1973 م) آماج جنگ اعلام ناشده آنکشور قرار گرفته، که تا کنون ادامه دارد.

از همان جمهوریت اول تا کنون جنگ اعلام نا شده پاکستان به اشکال و شیوه های مختلف و در نقش های متفاوت از تربیه، تسلیح و صدور خرابکاران گرفته تا قرار گرفتن بحیث «تخته خیز» در اوج جنگ سرد، طرح کنفدراسیون و جنگهای تنظیمی دهه نود، رول بازی نموده است و همچنان تلاش دستگاه نظامی - استخباراتی پاکستان بخاطر تسلط مستقیم در وجود طالبان، بخاطر تثبیت عمق ستراتیژیک و بی ثبات سازی و تضعیف افغانستان در یک دهه ونیم اخیر، صورت گرفته و تداوم دارد. (ارائه دلایل در رابطه به این حقایق آفتابی، بحیث اثبات «کفر ابلیس» تحصیل حاصل پنداشته میشود)

Adres: van Someren Downerlaan 46, 5707 KL Helmond, web. www.hoqooq.eu, KvK No: 53230108, Bank No: 469935308 ABN-AMRO te Helmond.

Contact: Nederland (A. Basir Dehzad, tel: (31) 06-19480048, e-mail: b_dehzad@hotmail.com). Denmark (M.A. Wahid Sadat, tel: (45) 027294949, E-mail: mir-sadar@hotmail.com). Duitsland: (A. Wase Ghafari, tel: (49) 061589216480, e-mail: a.waseghafari@web.de).

پاکستان ناقض منشور ملل متحد و تعهدات بین المللی :

نظام بین المللی معاصر ملهم و استوار بر یک اصل قبول شده یی حقوق بین المللی میباشد (Pacta Sunt Servanda) — تعهد باید اجرا گردد) که اعضای سازمان ملل متحد متعهد و مکلف به اجرای آن میباشند ، اما در عمل دولت پاکستان در فبال تعهدات خود در برابر جامعه یی جهانی عمل نکرده و در رابطه به افغانستان در مجموع و بخصوص بعد از عقد موافقت نامه ژینو (1988 م) و تا کنون ، هیچگاهی به تعهد ، وعده و وعید خود ، وفا نکرده است .

پاکستان هم عضو سازمان ملل متحد است و هم با پررویی منشور آن و دیگر اصول قبول شده حقوق بین المللی را نقض مینماید ؟

پاکستان هم عضو جامعه جهانی است و هم از خاک آنکشور به جهان تروریست صادر میگردد ؟

پاکستان هم «شریک استراتژیک» امریکا است و هم جنگ اعلام نا شده رابا هم پیمان آن کشور (افغانستان) تداوم میدهد؟

بدینترتیب مسئولیت اخلاقی (Moral Obligation) دولت و رهبران پاکستان زیر سوال رفته است !

آیا بسیار سوال بر انگیز نیست ؟

- که درین پانزده سال اخیر حضور گسترده امریکا و ناتو در افغانستان، پاکستان میلیاردها دالر را زیر نام همکاری مبارزه بر علیه «تروریسم» تصاحب نموده است، در حالیکه رهبران و مراکز سازمانهای تروریستی در داخل آنکشور فعال می باشند. امریکا بخاطر اسامه بن لادن سر دسته شرارت پیشگان القاعده به افغانستان هجوم نظامی آورد و چند سال بعد سر و کله موصوف از اسلام آباد پیدا گردید، بر سر ملا عمر آخوند ده ملیون دالر جایزه تعیین گردیده بود، اما نامبرده در «خانه های امن» کراچی زندگی و بشکل مرموز در شفاخانه های آن شهر بقتل رسید ! و جلسات بخاطر تعیین اخلاف آن علنی و با حضور صدها تن در پاکستان دایر گردید !

معمای اقامت و قتل سر دسته شرارت پیشگان، تشت رسوایی پاکستان را از بام انداخته است و اکنون با کشته شدن ملا منصور در پاکستان ، دیگر هیچ وجدان بیدار شک نخواهد داشت که پاکستان مرکز و دولت آنکشور حامی تروریسم می باشد. شانزده بار سفر ملا منصور به امارات متحده عربی و یکبار به ایران با پاسپورت رسمی پاکستانی و با نام جعلی بیان عین واقعیت است که رهبر و حلقه دست اول رهبری طالبان نه تنها در پاکستان از مسئولیت کامل برای سازماندهی جنگ و حملات مرگبار تروریستی بر ضد ملت و مردم افغانستان برخوردار هستند ، بلکه آنها در تیبانی مستقیم و تحت چتر حمایتی آی اس آی برای ادامه فعالیت های تخریبکارانه بر ضد دولت، مردم و حاکمیت ملی افغانستان تدارکات مالی را از طریق " کارپدور " ، امارات متحده عربی فراهم و سازماندهی نموده و مینمایند (البته در این یادداشت پیرامون چگونگی قتل آنان بحث صورت نگرفته است).

زمانیکه اسامه و ملا منصور واجب القتل است، سزای میزبانان « مهربان » و حامیان چه خواهد بود؟

وقت آن رسیده است که جامعه جهانی و بخصوص انگلیس و امریکا به این سوال جواب بدهند !

پاکستان مرکز تروریسم بین المللی :

اسناد معتبر بین المللی از سازمان ملل متحد و تا وزارت های خارجه اعضای دایمی شورای امنیت (بخصوص وزارت خارجه امریکا) ، سایر کشور ها و مطبوعات جهانی گویای این حقیقت است که ، سر نخ بسیاری حوادث دهشتبار تروریستی از کابل ، تا بمبئی ، دارالسلام ، چیچین ، سینکیانگ و تا نیویارک به پاکستان گره میخورد . پاکستان مکان امن برای شرارت پیشه گان جهان گردیده و سر دسته های سازمانهای تروریستی در « خانه های امن آی اس آی » مصروف طراحی عملیات و حملات دهشتبار میباشند و برای تعیین « رهبران » و نظم و نسق امور جلسات علنی و تاچند صد تن را دایر مینمایند . (همین اکنون دهها سازمان تروریستی مشمول لیست سیاه سازمان ملل متحد و وزارت خارجه امریکا در پاکستان علنی فعال بوده و مورد حمایت آی اس آی قرار داشته ، تسلیح و تجهیز میگردند.

پاکستان بحیث مرکز تولید فکر انتحاری و کشتن دگر اندیشان :

تعداد مدارس، مراکز و « نهادهای خیریه» در پاکستان که اندیشه های بنیادگرایانه اسلامی، کافرکشی، سیف الاسلام، انتحار و قتل دگراندیشان را ترویج میدهند تا به چندین ده هزار میرسد و اکثریت آنها که توسط مولاناهاای خبیث آنکشور رهبری میشوند، زیر چتر محافظتی آی.اس.آی و بقایای جنرال ضیاالحق در اردو قرار دارند .

پاکستان مرکز پرورش شرارت پیشگان شریبین المللی :

طی این چهل سال اخیر بیشتر از دو صد هزار تروریست عرب و عجم از کشور های مختلف در کوره های تروریست سازی پاکستان پرورش یافته و رهبران سازمانهای تروریستی که بر سر آنان جوایز تعیین گردیده، درین کشور کسب تجربه کرده اند (اوسامه، ایمن الظواهری، ابوبکر بغدادی، ملا عمر، ملامنصور، ملا هیبت اله و ده ها تن دیگر در این ردیف قرار دارند و از امتیازات «خانه های امن آی.اس.آی» مستفید گردیده اند)

استخبارات نظامی پاکستان مسئولیت قتل و ترور افغانان را عهده دار میباشد:

در داخل و خارج پاکستان تعداد زیادی از شخصیت های معروف افغان توسط آی.اس.آی و یا بدستور اجیران آن بقتل رسیده اند ، (پوهاند شمس الدین مجروح ، چینیایی ، غروال ، کتوازی و ده ها تن دیگر ، اکنون دیگر حضور جنرال اسلم بیگ در شب شهادت داکترنجیب الهه رییس جمهور اسبق یک راز نمی باشد . در چند سال اخیر آنعه رهبران طالبان که خط قرمز اصول مافیایی روابط (آی.اس.آی - طا لبان) را نقض کرده اند، زندانی و به اشکال مرموز بقتل رسیده اند.

دولت پاکستان و اجیران آن جرایم سنگین را در افغانستان مرتکب شده اند :

- درین مدت تداوم جنگ اعلام نا شده، پاکستان عامل اولی و اساسی تراژیدی خونبار افغانستان می باشد، مداخلات آنکشور دلیل و بهانه مداخلات نظامی شرق و غرب پنداشته میشود .
- درین چهاردهه ملیون ها هموطن ما نابود، معلول، معیوب و یتیم و بیوه گردیده اند و ده ها ملیارد دالر بکشور ما خسارت رسیده و مناطق زیاد تخریب و یا مانند پایتخت به تل خاک مبدل گردیده است.
- غنایم و آثار ملی و تاریخی تاراج و یا مانند بت های بامیان تخریب گردیده است .
- تاسیسات دولتی و اردوی ملی افغانستان نابود گردیده است .
- جنایات ضد بشری، جنایات جنگی، نقض حقوق بشر و قتل و کشتار اهالی ملکی دوام دارد .
- در چند ماه گذشته هر روز در افغانستان کربلا، صیرا و شطیلا برپا است .
- از قرار معلوم پاکستان در ولایات ننگرهار و پکتیکا در اینطرف خط نامنهاد دیورند مراکز عسکری ایجاد کرده است .
- تداوم و تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان مانع اصلی گذار کشور ما به شاهره ترقی می باشد .

در برابر این همه جنایت ، تجاوز و تشدید جنگ اعلام نا شده چه میتوان کرد ؟

ختم جنگ اعلام نا شده و دستیابی به صلح با تگدی بدست نمی آید و چنانچه گفته اند: **حق داده نمیشود، حق گرفته میشود.**

افغانستان قربانی تجاوز و تشدید جنگ اعلام نا شده یی پاکستان :

مطابق به احکام منشور سازمان ملل متحد « دولت قربانی باید اعلام نماید که مورد تجاوز قرار گرفته است »
بدینرو دولت افغانستان ، باید بمثابه کشور قربانی اعمال پاکستان ، هر چه عاجل دوسیه جنایات ناشی از جنگ اعلام نا شده آنکشور در وجود طالبان و شرکای شانرا تنظیم وبه:
- شورای امنیت س.م.م و دیوان عدالت بین المللی ارجاع نماید.
دولت باید به شورای امنیت پیشنهاد نماید تا :

به اساس اصول منشور م. م. اصل (United Nations Sanctions) را مطابق احکام فصل هفتم منشور ملل متحد و بر اساس اصل « تهدید صلح ، نقض صلح و عمل تجاوز » در مورد پاکستان بررسی و تطبیق نماید تا پاکستان بحیث مرکز تروریسم و دولت آنکشور بمتابه حامی تروریسم بر طبق اصل (Legal Settlement Sanction) مورد تعزیرات بین المللی قرار گیرد . این تعزیرات باید شامل قطع کمکهای نظامی و مشروط ساختن مجموع کمکها به نابودی تروریستان و تحقق اصول و پرنسیپ های جهانی و قبول شده بی حقوق بین المللی گردد.

مراکز سلاح اتمی پاکستان منبع خطرناک تهدید جهانی :

دراحوالیکه پاکستان مرکز شرارت بین المللی است و خطرناکترین سردهسته ها و سازمانهای مخوف تروریستی و دشمنان تمدن بشری در ارتباط تنگاتنگ با اردو و آی اس آی فعال میباشند و دولت سابقه جرمی دولت پاکستان در نقض موافقت نامه بی (T . P. N) (که پدر بمب اتمی آنکشور عندالمحاكمه بدان اعتراف نمود) ، بسیار ضرور است تا شورای امنیت سازمان ملل متحد بخاطر نظارت و تحت پوشش قرار دادن فعالیت اتمی پاکستان اقدام نماید.

وظایف دشوار ، اما بسیار ضروری و مبرم :

- دولت باید با سازمان ناتو و کشورهای انگلستان و ایالات متحده امریکا که تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان معلول سیاست های کجدار و مریز آنان است و بر اساس پیمانهای ستراتیژیک، مکلف به دفاع قاطع می باشند، مذاکرات سازنده را آغاز نماید . **تداوم تراژیدی خونبار افغانستان مسئولیت اخلاقی آنان را با سوالیه بزرگ مواجه ساخته است؟**

مسئولیت جانب امریکا در قبال تراژیدی خونبار مردم ما در استغاثه سناتوران و سخنان قبل از انتخابات دولتمردان ، ویا هر چند سال کشتن یک سردهسته تروریستان خلاصه نمیشود (که کفاره اعمال انتقامجویانه را مردم بی گناه و بی دفاع با خون فرزندان شان بپردازند) . افغانان باید صداقت گفتار، در مبارزه با تروریسم را در سرکوب قاطع آنان در مراکز اصلی شان (پاکستان) مشاهده نمایند.

- دولت باید با کشورهای اتحادیه اروپا حقایق قربان شدن افغانستان را مطرح و در جلب همنوایی آنان تلاش وسیع انجام دهد .

- بسیار ضرور است تا دولت کار وسیع را با همسایگان و قدرتهای بزرگ مانند چین، روسیه و هندوستان دنبال و نشست عاجل این کشور ها را در رابطه به مسایل جاری افغانستان خواستار گردد.

آیا دولت افغانستان توانایی انجام این رسالت تاریخی را دارد ؟

پاشنه آشیل افغانستان ضعف اقتدار ملی است. "مردم بزرگ" که بار طولانی ترین جنگ تاریخ را متحمل گردیده اند ، با "رهبران کوچک" مواجه می باشند، رهبرانی که به مردم باور ندارند و فراموش کرده اند که: **د خلکو زور، د خدای زور دی و از تشخیص مصالح کشور و منافع ملی عاجز می باشند و درگیر و دار تقسیم « قدرت » ، قوای مسلح را درین مقطع حساس بحساب قوم و گروپ تقسیم مینمایند.**

رهبران دولت وحدت ملی که پای شان در ترازی مشروعی می لنگد، بخاطر جبران این نقیصه باید برای کسب و جاهت ملی تلاش نمایند. این و جاهت فقط و فقط با چنگ زدن به منافع ملی و دفاع قاطع از وطن و جان و ناموس مردم بدست میآید .

دستیابی به این مأمول زمانی سراب نخواهد بود که قانون را ملاک عمل قرار بدهند، استقرار حاکمیت قانون یگانه راه تحکیم قدرت دولتی پنداشته شود .

این هدف بزرگ فقط با پشتیبانی مردم ممکن خواهد بود و برای کسب کمک مردم باید تعریف دقیق از منافع ملی با شناخت از جیوپولیتیسیم بین المللی و منطقه داشته باشیم و بر مبنای همین تعریف استراتژی امنیت ملی و چگونگی مقابله در برابر پاکستان را مشخص بسازیم .

در همچو حالت دولت میتواند با دیپلوماسی فعال بحیث پارتنر در سطح بین المللی و منطقه ، منافع افغانستان را دفاع و پاکستان نیز با عزم و احتیاط حرفش را تحویل بگیرد.

چنین دولت که کارا خواهد بود در برابر مخالفان مسلح برخورد دقیق را در وجود یک سند تقنینی که حالت حقوقی افراد و گروه های مسلح که به پروسه صلح میپیوندند ، تنظیم و مطابق آن برای صلح بحیث هدف والای ستراتیژیک اقدام نماید.

داعیه بی ملی :

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا با نظر داشت این واقعیت که افغانان قلب مشترک (وطن مشترک) دارند ، با مراجعه به هموطنان عزیز در داخل و خارج کشور، نهاد های سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی، جامعه مدنی و مدافعان وطن و مردم صمیمانه میخواهد تا در دفاع از هست و بود وطن ، صدایی اعتراض شانرا در برابر تشدید جنگ اعلام نا شده پاکستان متحدانه بلند ، و از این داعیه برحق ملی افغانستان بدون در نظر داشت اختلافات قومی ، مذهبی ، ایدئولوژیک و سلیقه ها ، دفاع و به جهانیان ثابت نمایند که وطن و سرزمین افغانان عمق ستراتیژیک پاکستان نه ، بلکه همسایه متساوی الحقوق و نیک میباشد.

با احترام

هیئت رهبری انجمن حقوقدانان افغان در اروپا

Statement of Afghan Lawyers' Association in Europe in relation with the murder of Mullah Mansour, leader of Taliban

Pakistan – Violator of UN Charter, Haven and Supporter of Terrorism, and a Pillar of International Viciousness:

As an “unnatural” country, and a creation of the colonial strategies, Pakistan has always been a cause of conflict and turbulence during the entire period of its existence. It has always sought the secret of its survival in stirring internal disturbances and conflicts within its neighboring countries. It especially acquired such and evil stance after the military coup of 1979, when it became the main ring in the “green belt”, put on the “masque of Islamic republic”, started training, equipping and arming terrorist groups. It has systematically used terrorism as an instrument of its foreign policy.

Afghanistan has fallen a victim of the conspiracies of Islamabad from the very beginning of the misfortunate birth of Pakistan (which had already joined the aggressive military pacts), and particularly became target of an undeclared war after the establishment of the republic of 1973, which is still going on.

Ever since the very establishment of the first republic till the moment, the undeclared war of Pakistan has continued in various methods and different roles, from training, arming and exporting subversive elements, to serving as a “jumping board” during the climax of the cold war, the conspiracy of forming a confederation, and the factional fights of the 90s. Likewise, starting from the past one and a half decade, the military-intelligence apparatus of Pakistan has been striving hard to exercise direct control via the Taliban with a view to reaching the strategic depth, and destabilizing and weakening Afghanistan which still continues. (Introduction of proof for these shining facts will be the same like proving “devil’s infidelity” which is needless to be proven).

Pakistan – violator of UN Charter and international commitments:

Adres: van Someren Downerlaan 46, 5707 KL Helmond, web. www.hoqooq.eu, KvK No: 53230108, Bank No:469935308 ABN-AMRO te Helmond.

Contact: : Nederland (A. Basir Dehzad, tel: (31) 06-19480048, e-mail: b_dehzad@hotmail.com . Denmark(M.A. Wahid Sadat, tel:(45) 027294949, E-mail: mir-sadar@hotmail.com. Duitsland: (A. Wase Ghafari, tel:(49) 061589216480, e-mail: a.waseghafari@web.de.

The contemporary international order is inspired by and based on an accepted principle of the international law (“*Pacta Sunt Servanda*” – agreements must be kept), which the UN member countries are obliged to observe. However, in practice the Pakistani government has never honored its commitments against the international community. It has so far generally failed to fulfil its commitments against Afghanistan, and particularly after the conclusion of the Geneva Accords of 1988. On one hand, Pakistan is a UN member country, and on the other hand it recklessly beches the UN Charter and other accepted principles of the international law. Pakistan is a member of the international community, but terrorists are exported to the world from the soil of that country. Pakistan is a “strategic partner” of America, but it still continues an undeclared war against another country (Afghanistan) which is also in a coalition with America. Hence, the Moral Obligation of the government and the leaders of Pakistan has seriously come under question!

Isn't this questionable:

- That during the past fifteen years of presence of America and the NATO in Afghanistan, billions of dollars have been acquired by Pakistan under the name of cooperation in the fight against “terrorism”, while the leaders and the bases of terrorist organizations are active within the territory of that country.
- That America invaded Afghanistan because of Osama bin-Laden, the ring leader of al-Qaeda villains, but some years later, the man showed up Islamabad.
- That America announced a head-price of 10 million dollars for Mullah Mohammad Omar Akhund, but it was revealed that the said person resided in “the safe homes” in Karachi, and was mysteriously murdered in the hospitals of that city. The meetings to choose his successors were publicly held, and attended by hundreds in Pakistan.

The enigma of the stay and murder of the leader of the villains displayed a scandalous ignominy for Pakistan. And now, with the murder of Mullah Mansour in Pakistan no vigilant conscience can doubt anymore that Pakistan is the center, and its leaders are supporters of terrorism. The fact that Mullah Mansour made sixteen trips to the United Arab Emirates and one to Iran with official Pakistani passport and with a false name is a solid evidence in itself that the leader and the first leadership ring of the Taliban are not only enjoying full immunity in Pakistan enabling them to carry on fight and bloody terrorist attacks against the people of Afghanistan, but being in collusion and under direct protection umbrella of the ISI continue subversive activities against the state, people and national sovereignty of Afghanistan, the financial arrangements of which are supplied via the “corridor” of the United Arab Emirates. When Osama and Mullah Mansour are regarded as death-deserving, then what shall be the punishment for their “kind” hosts and protectors?

The time has arrived for the international community, and especially the Britain and America to answer this question!

Pakistan – a safe haven for international terrorism:

Credible international documents, including those in the UN and the foreign services of the permanent members of the UN Security Council (particularly the US State Department), and other countries and international media clearly reveal the fact that most of the horrible terrorist incidents – from Kabul to Mumbai, Jerusalem, Chechnya, Sinkiang, New York, etc. find their origin in Pakistan. Pakistan has turned into a safe haven for all the villainous forces of the world, where leaders of the terrorist organizations, while residing in “the safe homes of

ISI”, are engaged in planning terrorist attacks and operations, making arrangements for holding public meetings for many hundreds to select their “leaders”. (At present, hundreds of terrorist organizations that are included in the black list the United Nations and the US State Department, are openly active in Pakistan, and are being supported, armed and equipped by ISI).

Pakistan – center of fostering concept of suicide and killing political opponents:

The number of madrassas, “charity centers and organizations” that are engaged in spreading the ideas of Islamic fundamentalism, killing non-Muslims, *Saif-ul-Islam* (sword of Islam), suicide and killing political opponents exceeds tens of thousands, most of which are led by the evil clergymen of that country who carry their activities under the protective umbrella of ISI, the remnants of Gen. Zia ul Haq, and the army.

Pakistan – a training center of international evil-doers:

During the past forty years, more than two hundred thousand Arab and non-Arab terrorists from various countries have been trained in the terrorist-producing furnaces of Pakistan, and the leaders of terrorist organizations, with rewards announced for their heads, have gained experience in this country (Osama, Ayman al-Zawahiri, Abu-Bakr Baghdadi, Mullah Omar, Mullah Mansour, Mullah Haibatullah, and tens of others are among them who enjoyed the privilege of being sheltered in the “safe homes” of ISI).

Military intelligence of Pakistan bears responsibility of murder and terror of Afghans:

A large number or prominent Afghan personalities have been assassinated, inside or outside Pakistan by ISI, or its mercenaries (Prof. Shamsuddin Majrooh, Chinzai, Gharwal, Katawazi, and tens of others). The presence of Gen. Aslam Beg in the night of martyrdom of Dr. Najibullah, the former president of Afghanistan is no more a secret. In recent years, those Taliban leaders who crossed the red line of mafia principle in ISI-Taliban relations were imprisoned and murdered mysteriously.

Pakistani government and its mercenaries committed serious crimes in Afghanistan:

- Pakistan, during the period of continuation of the undeclared war, has been the first and fundamental factor behind the bloody tragedy of Afghanistan. Interferences of this country are considered the reason and excuse for the interventions of the east and the west in Afghanistan.
- During the past four decades, millions of our compatriots have been martyred, disabled, orphaned or widowed; tens of millions of dollars of loss has been inflicted on our country, many areas have been destroyed and razed to ground, including the capital of the country.
- The wealth and historical monuments have been plundered or destructed, such as the Bamyán statue.
- Government establishments and the national army were destroyed.
- Crimes against humanity, war crimes, violation of human rights and murdering civilians are continuing.
- Since some months, everyday Afghanistan experiences Karbala, Sabra and Shatila.

- As per the information, Pakistan has erected military establishments in this side of so-called Durand line in Ningarhar and Paktika provinces.
- Continuation of aggravation of undeclared war of Pakistan is the main hindrance of our country's transition to the path of development.

What can be done against all these crimes, aggression and the aggravation of undeclared war?

Putting an end to the undeclared war and attaining peace cannot be achieved through beggary. As a saying says: **right is not given, it is taken!**

Afghanistan – a victim of aggression and aggravation of the undeclared war of Pakistan:

As per the Charter of the United Nations “the victim country must declare that it has been subjected to aggression”. Therefore, as a victim of the actions of Pakistan, the government of Afghanistan must, as urgently as possible, arrange the dossier of the crimes of Pakistan emanated from its undeclared war which is carried through the Taliban and their partners, and forward it to:

- The UN Security Council and the International Court of Justice.

The government of Afghanistan shall propose to the Security Council that:

As per the provisions of the UN Charter, to consider and implement the principle of “United Nations Sanctions” as provided for in chapter seven of the UN Charter in regard to Pakistan as an “action with respect to threats to the peace, breaches of the peace, and acts of aggression” in order to subject Pakistan, as a supporter of international terrorism, to international sanctions in accordance with the principle of “Legal Settlement Sanctions”. Such sanctions must include stoppage of military aid, and connecting all assistances to the elimination of terrorists and the observance of all the internationally accepted principle of the international law.

Pakistani nuclear sites – sources of serious international threat:

In a situation where Pakistan is the center of international villainy, and the most dangerous leaders and horrible terrorist organizations and enemies of human civilization are active there with close connection with its army and the ISI, and while that country has the precedence of neglecting the (T.P.N.) agreement (as admitted by the father of nuclear bomb of Pakistan during his trial), it is very necessary that the UN Security Council takes measures for the supervision and covering the nuclear activity of Pakistan.

Difficult, but extremely vital duties:

- The Afghan government needs to start constructive negotiations with the NATO, the UK and the US, as the aggravation of the undeclared war is the outcome of their negligent and uncertain policies, and who are duty-bound to decisive defense in accordance with the Strategic Accord. Continuation of the bloody tragedy of Afghanistan seriously questions their moral legitimacy.

The responsibility of America verses the tragedy of Afghanistan cannot be fulfilled only with the cries of senators or the pre-elections words of the statesmen, or the murder in some years of a leader of the terrorists (the price of the subsequent acts of vengeance for which is paid by our innocent and defenseless people with the blood of

their children). Afghans need to see honesty in the fight against terrorists, in categorically smashing them up in their original birthplace (Pakistan).

- The Afghan government must propound the facts about the victimization of Afghanistan with member countries of European Union and make vast efforts to secure their support.
- It is much vital that the government maintain all-round contacts with the neighboring countries and regional powers such as China, Russia and India and propose an urgent meeting of these countries in regard with the current issues of Afghanistan.

Is Afghan government capable of carrying on this historic mission?

The Achilles heel of Afghanistan is its weak national management. A “great people” who bore the burden of the longest war of the history confront “small leaders”, leaders who do not trust the people, and have forgotten that “the power of people is the power of God”, leaders who are incapable of identifying the national interests and what is good for the country; they are deeply engaged in the strife of “power” division, and division of the armed forces of the country, in the current sensitive moment, in ethnic and factional lines. The leaders of the national unity government, who suffer from the questionability of their legitimacy, need to make efforts towards attaining national credibility to compensate this shortcoming. Such a credibility can only be achieved via grasping the national interests, and crucially defending the homeland, lives and honor of the people. Attaining this goal will not be a mirage anymore when the deeds are based on the law, and the rule of law is recognized as the only means of consolidation of state power.

Such a great ideal can only be materialized with the support of the people, and to achieve the support of the people, we need to have a clear definition of the national interests and a precise knowledge of international and regional geopolitics, devise the national security strategy and determine how to cope with Pakistan in the light of this definition. It is only through an active diplomacy that the Afghan government can defend the interests of Afghanistan as a partner in international and regional levels, and to compel Pakistan to listen to it with prudence and discretion.

Such a government shall be a competent one. It shall have a reasonable stance towards its opponents in the form a legislative document which shall define the legal status of individuals and groups who join the peace process, and to strive for bringing about peace as a strategic goal.

The national cause:

The Afghan Lawyers’ Association in Europe, mindful of the fact that all Afghans have a common heart (common homeland), respectfully calls upon all fellow countrymen inside and outside the country, the political, social and cultural entities, the civil society and the defenders of the homeland and the people to raise their cries of protest against the aggravation of the undeclared war of Pakistan, to champion this legitimate national cause of Afghanistan, regardless of any ethnic, religious, ideological and other differences, and to prove to the world that the homeland of the Afghans is not a strategic depth of Pakistan, but is an equal and a good neighbor of Pakistan.

With regards,

Leadership Board, the Afghan Lawyers’ Association in Europe